



# کناره

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، فسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

- مسنون: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • ظریغ: نسخ پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوریان • ریشه‌شناسی فراموشی جغرافیایی مروط به آذربایجان اعلیٰ شرف صافیوی
- نمای آذربایجان و دیگر کننه‌های مخصوص گویشی امغوی / سند احمدیها قائم‌مقامی • آسمان‌ها و ایوان‌ها: عوادگانی دور از هم با همراه مترک پادشاهی / بیعاد غوره‌زینه، معتمدی فرموزی
- اشاره قطب‌اللین عقیقی امغوی (آمدوی) بهودزه‌لیانی / دروده‌لرخه، مرگ سلطان سلوچی را آیا سلطان در صفر ۷/۷/۷ قدر دیگر نشاندست / محض شرقی صحی • جلسه‌شناسی، ریشه‌شناسی، اسلام‌شناسی، ریشه‌شناسی
- کهن در حسره مغارب در مسخ و تبدیل ایلان / امده یاچی • ساقی تزویز، غمال داشت‌دانه‌ای شاهدند در تبریز و قله‌چاری / اسکاد آینه‌نو • پند اسلام‌پس دوم، نصیحت‌الملوک‌ها در آناتولی اولیل
- قون هشم هجری / ایس اس پیکاک از زیسته شکوهی میانی • سه نامه به فارسی سره از شاهه هشم در آناتولی در مدت‌گشتوشت «آنامه سلطان» / امیر بهم پرشیس • سلطان ولد و طرفت شاهزاده‌ها: کهن / پیکانی خصوصیات و کارکرد شمر در سنت مولویه پس از مولانی درمی / اولانکلین پیشیز، موجه پیکانی خسے • بخشی در راه فردیک المراقة بر مبنای نسخه‌های کهن / علی شاپوران • سفینه‌نویسی و مخدوخته رویس؛ برسی نو مسینه‌کهن قلوس در حوزه‌لرخه / اینه علی می‌لقفلی • اشاره قارسی گیران سده هشم آناتولی در پیشک اشتوه (نسخه ۱۴۵۰)
- کتابخانه‌ای لیدا) / احمد پیشی • نامه درودش کارزنی به سلطان امدادیگر کار و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (کارلو) بر نقش سیلسی صوره در تحولات سده نهم هجری / عهدانشین شیخ الحکمایی • سلسلت تاریخ‌گاری فارسی در دیوار سبلان یکم شله قلم و تکر الجواهر / فوقاد اینس • در آمادی بر شرح‌های دویان عرفی شیرازی در آسیای صخره / فریبا شکوهی • معرفی کتاب «اسلام» اثبات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی / نوشته‌نامه‌ای دردو سی. اس. پیکاک / داریله درون‌گنگی (ایران‌گرانی با همکاری عباسی‌ان) شاپوران • نقایی بر آناتولی
- نصحی دویان اشاره فارسی پاژور سلطان سلیمان / اینها احمدی • شعر و شخصیت هعلم و عزی از او در دویان سعیدی (پیوسنگی فرعونی شیرز و شیراز) / محمود عابدی



# فهرست

## سرخن

آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی / اکبر ایرانی ..... ۵-۳

## پیکتار

فارسی: نخ تسبیح پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوران ..... ۱۳-۶

## رشد

ریشه‌شناسی ده نام حرف‌ای ایرانی مربوط به آذربایجان / علی اشرف صادقی ..... ۲۲-۱۴  
نام آذربایجان و یک نکتهٔ مختصر گویشی لغوی / سید احمد رضا قائم‌مقامی ..... ۲۹-۲۳  
آسی‌ها و ایرانیان: عموزادگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریچارد فولتز؛ ترجمه: محمد تقی فرامرزی ..... ۴۰-۳۰

## آذربایجان و فتح‌هز

اعشار قطب‌اللّٰهین عتیقی اهربی (تبریزی) / بهروز ایمانی ..... ۵۷-۴۱  
درباره تاریخ مرگ سلمان ساوجی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گلگشته است؟ / محسن شریفی صحنی ..... ۶۰-۵۸  
جلیس المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان / مهدی بیلانی ..... ۷۶-۶۱  
ساقی تبریزی، نقال داستان‌های شاهنامه در تبریز دورهٔ قاجاری / سجاد آینلنلو ..... ۸۲-۷۷

## آناتولی

پند سلاطین روم: نصیحة‌الملوک‌ها در آناتولی اوایل قرن هفتم هجری / ای. سی. اس. پیکاک؛ ترجمه: شکوفه بیبدی ..... ۱۰۹-۸۳  
سه نامه به فارسی سره از سدهٔ هفتم در آناتولی در دست نوشته «نامه سلاطین» / مزمیر مشمشی ..... ۱۱۷-۱۱۰  
سلطان ولد و طریقت شاعرانه؛ پیکرندی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولانا رومی / فرانکلین لویس؛ ترجمه: متوجه بیکلی خمسه ..... ۱۳۴-۱۱۸  
بحثی دربارهٔ فرهنگ المراقابه‌منای نسخه‌ای کهن / علی شاپوران ..... ۱۴۷-۱۳۵  
سفینهٔ توحی و مجموعهٔ روحی؛ بررسی دو سفینهٔ کهن فارسی در حوزهٔ آناتولی / سید علی مرافضی ..... ۱۶۰-۱۴۸  
اشعار فارسی گویان سدهٔ هشتم آناتولی در چنگ آتش شهر (نسخهٔ ۱۰۴۲ کتابخانهٔ لین) / احمد بهنامی ..... ۱۶۹-۱۶۱  
نامهٔ درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (گواهی بر نقش سیاسی صوفیه در تحولات سدهٔ نهم هجری) / عمامه‌الدین شیخ الحکمای ..... ۱۸۰-۱۷۰  
سیاست تاریخ‌نگاری فارسی در دریار سلیمان یکم؛ شاه قاسم و کنز الجواهر / فرقان ایشان ..... ۱۹۰-۱۸۱  
درآمدی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریبا شکوهی ..... ۲۰۰-۱۹۱

## نهودربر

معرفی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشتهٔ اندره سی. اس. پیکاک / داوید دوران-گلدی (فارسی‌گردانی با همکاری عباس سلیمانی آنگلی) ..... ۲۰۴-۲۰۱  
نگاهی به کتاب «بزنگاه پادشاهی در اوایل سده‌های میانه در جهان اسلام: مهاجران ایرانی و شکل دادن به الگوی حکمرانی عثمانی» / اندره پیکاک؛ ترجمه: علی شاپوران ..... ۲۰۶-۲۰۵  
تقدیم بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیم / آینا احمدی ..... ۲۱۸-۲۰۷

## خترانی

شعر و شخصیت همام و غزلی از او در دیوان سعدی (پیوستگی فرهنگی تبریزو شیراز) / محمود عابدی ..... ۲۲۶-۲۱۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مُبِينٌ مُهَمَّةٌ مُكْتَبٌ

جَرِيْغَةٌ مُبَارِكَةٌ

لِلْأَمْرِ الْمُكْرَمِ



۸۹ - ۸۸

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزهٔ نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دورهٔ سوم، سال چهارم، شمارهٔ سوم و چهارم  
پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [۱۴۰۰ انتشار: پاییز]

ویژهٔ تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان،  
قفقاو و آناتولی

صاحب امتیاز:

مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

دیر ویژه: علی شاپوران

مدیر داخلی: یونس سلیمانی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقهٔ دوم.

شناستهٔ پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

[www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)  
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بهای: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: کتبیهٔ آغازین نسخه‌ای از دانشنامهٔ عالی،  
کتابت شده در سدهٔ نهم هجری برای مطالعهٔ سلطان  
محمد فاتح (استانبول، سلیمانیه، کتابخانهٔ ایاصوفیه، ش ۲۵۳۱)

تصویر خط بسمله

از نسخهٔ کتابخانهٔ John Rylands

فرهنگ ایرانی لاقل در شهرهای هم جوار نفوذ کرده بود. مثلاً سی سال پیش از نفوذ سلجوقيان به آسيای صغیر که ناصرخسرو به شهر اخلاق می رسد، در سفري‌نامه خود می‌نويسد: «در شهر اخلاق به سه زبان سخن می‌گويند: تازی و پارسي و ارمنی» (مراد از فارسي شايد زبان فهلوی آن روز آذربایجان باشد). (رياحي، ۱۳۶۹-۲)

او آغاز نفوذ فراگير فرنگ ايراني در ديار روم را از سال ۴۶۳ دانسته است که آلب ارسلان در جنگ منازگرد (يا ملازگرد) رومانوس دیوجانوس، قيصر روم شرقی، راشکست داد (همان: ۴). بر اثر اين شکست «سييل مهاجران ايراني نيز همراه سپاه سلجوقي به آسياي صغير سرازير شد. گروه گروه ايرانيان از سپاهي و ديواني و بازرگان راه ديار روم را در پيش گرفتند... رفتند و فرنگ ايراني را با خود به ارمغان برذند» (همان: ۶). او درباره چگونگي رسميت يافتن زبان فارسي در آن سرزمين چنین نوشته است:

بعد از استقرار سلجوقيان و امرای دست‌نشانده آنها در آسيای صغیر، به تدریج زبان فارسي، زبان رسمی آن ديار گردید. محاوره در شهرهای مهم و نامه‌نویسي در دستگاه اميران و تدریس و تأليف و تصنيف و شاعري به اين زبان بود. (همان: ۲۳)

دست‌نوشت «نامه سلاطين» و سه نامه فارسي سره در طی تسلط سلجوقيان روم آثار بسياري به زبان فارسي در آن سرزمين نوشته شد. در ميان اين آثار، دست‌نوشتی است از مجموعه منشآتی از قرن هفتم که نام مشخصی ندارد و در فهرست‌ها و آثار دیگر با عنوانين «قصه سلاطين»، «منشآت سلاطين»، «منشآت السلاطين»، و «نامه سلاطين» شناخته می‌شود. اين دست‌نوشت به شماره ۱۱۱۳۶ محفوظ در کتابخانه آيت الله مرعشی، مجموعه‌اي از نامه‌های ديواني و اخوانی مربوط به دربار سلجوقيان روم (۴۶۹-۷۰۷ق) در سده هفتم است. اين دست‌نوشت پيش از آن که به کتابخانه مرعشی راه يابد، متعلق به حاج حسين نخچوانی (۱۲۶۵-۱۳۵۲ش) بوده است. او دو سند از آن را در دو يادداشت در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۳۱ معرفی کرده است. اين مجموعه به تازگي در مقاله «منبعی مهم درباره سلجوقيان روم و دبيرخانه فارسي آنها؛ نسخه خطی کتابخانه آيت الله

## سه نامه به فارسي سره از سده هفتم در آناتولی در دست‌نوشت «نامه سلاطين»

مريم ميرشمسي

عضو هيئت مؤلفان لغتنامه بزرگ فارسي، مؤسسه لغتنامه دهدخانه m\_mirshamsi85@yahoo.com

آناتولی يا آسياي صغير يکي از سرزمين‌هایی است که سده‌ها فرنگ ايراني و زبان فارسي در آن رشد و نما كرده و بالide و آثار ارزشمندی به فرنگ مشرق زمین پيشکش کرده است. گسترش زبان فارسي در اين منطقه از جمله مرهون جنگاوری و کشورگشایي پادشاه سلجوقي، آلب ارسلان محمد، و اميران او، و شکل‌گيري حکومت سلجوقيان و اتابکان روم در آن ناحيه است. محمدامين رياحي در كتاب زبان و ادب فارسي در قلمرو عثمانی به تفصيل به اين موضوع پرداخته است. او نخست از پيشينه دو سه‌هزار ساله فرنگ ايراني در آسياي صغير بر اثر فتوحات هخامنشيان و تأثير آيین مهرپرستی در آن سرزمين سخن گفته است:

بافتوات هخامنشيان آيین مهر در آسياي صغير و یونان راه یافت و از آنجا به روم رسید. بعدها مهرپرستي به صورت دين رسمی درآمد و سیصد سال تا روزی که مسیحیت رسمیت یافت، آيین رسمی رومیان بود. هنگام رواج مسیحیت هم بسیاري از آداب و رسوم مهرپرستی وارد مسیحیت شد. وقتی هم که دین مسیح آيین مهر را از میدان به در کرد، آيین مانی از راه رسید و در مناطق جنوب اروپا نفوذ کرد و آثاری از آن قرن‌ها در معتقدات فرق مختلف مسیحی از قبيل کاتارها و بوگوميل‌ها به حیات خود ادامه داد. اگر هم آثار فرنگی دوره سیصد ساله تسلط هخامنشی‌ها به طول زمان در زبان و زندگی مردم راه زوال پیموده باشد، اما به علت همسایگی وجود روابط بازرگانی و احتمالاً مهاجرت‌ها و جهانگردی‌ها مسلمان بعدها زبان و

الكتاب چاپ آنکارا) نقل کرده، نسخه‌ای دیگر از روضة الكتّاب ابوبکر صدر قونیوی است.

نکته دیگر این‌که نامه دوم را -که نویسنده در متن آن تصریح کرده که آن را در شهر همدان نوشته‌است- میرود و سی‌دیونسی (مصحح روضة الكتاب چاپ تبریز) در مقدمه خود (یونسی، ۱۳۴۹: نوزده - بیست) نقل کرده و آن را از بدرالدین یحیی دانسته‌است. در دست‌نوشت مذکور نویسنده دو نامه نخست نامعلوم است و بر نگارنده معلوم نشد که مصحح روضة الكتاب بر چه اساسی آن را از بدرالدین یحیی دانسته‌است.

### نگاهی به پیشینه سرهنویسی در ایران

سرهنویسی رامی‌توان چنین تعریف کرد: «به کار بردن عاملانه واژه‌های اصیل یک زبان و پرهیز از به کارگیری واژه‌های قرضی در یک نوشته». اصطلاح «سرهنویسی» در زبان فارسی بیشتر معنی پرهیز از به کار بردن واژه‌های عربی دارد. باقر صدری‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «پیشینه تاریخی و مبانی نظری سرهنویسی»، تاریخ سرهنویسی را به دو دوره تقسیم کرده‌است: دوره نخست از حدود قرن پنجم تا دهه پایانی قرن سیزدهم و دوره دوم از همین مقطع تا روزگار ما. او وجه تمایز سرهنویسی را در این دو دوره، علاوه بر رواج بیشتر آن در دوره دوم، در خاستگاه نظری این شیوه در هر دوره می‌داند:

در دوره نخست به دشواری می‌توان از ابتدای آن بر مبانی نظری خاصی سخن گفت، حال آن‌که در دوره دوم به جرئت می‌توان آن را منبع از نظرگاه میهنه و تاریخی و از متفرّعات نوع خاصی از ناسیونالیسم تلقی کرد. (صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

چنان‌که در نمونه‌های زیر خواهیم دید، بیشتر این سرهنویسی‌ها به قلم منشیان عرب‌زده مروج نثر فنی و مصنوع است که از سر تفّنن یانشان دادن احاطه خود بر زبان دست به نگارش نامه یا مطلبی به فارسی سره زده‌اند. از این رو آن‌ها را نمی‌توان به حساب خاستگاه نظری خاصی گذاشت. صدری‌نیا درباره علت و زمان پیدایش سرهنویسی در دوره نخست چنین نوشتند است:

به نظر می‌رسد که در آغاز میان سرهنویسی و افزایش

مرعشی به شماره ۱۱۱۳۶» توسط داوید دوران‌گلی، موزّخ و ایران‌شناس فرانسوی، به‌طور مبسوط معرفی شده‌است. دوران‌گلی این استاد را از دیدگاه نسخه‌شناسی بررسی کرده و ساختاری برای آن‌ها ارائه داده‌است. همچنین از لحاظ تاریخی بیشتر استاد را مربوط به دربار علاءالدین کیقباد دوم (د. ۶۵۵) دانسته‌است (برای آگاهی بیشتر، نک. دوران‌گلی، ۱۳۹۹).

در این دست‌نوشت ارزشمند سه نامه به فارسی محض (سره) شناسایی شده که در این نوشته متن تصحیح شده آن‌ها مندرج است. این سه نامه از نمونه‌های کهن سرهنویسی فارسی به شمار می‌آیند و علّت گزینش آن‌ها همین ویژگی خاص است.

درباره نویسنده یا نویسنده‌گان این نامه‌ها دو نکته گفتندی است: اوّل این‌که نویسنده نامه اوّل و دوم نامعلوم است، ولی نامه سوم از جمله منشآت بدرالدین یحیی ترجمان، یکی از دبیران دیوانی دربار غیاث‌الدین کیخسرو دوم (۶۴۲.د)، است. بنا بر گفته ابن‌بی‌بی در الاوامر العلائیه، خانواده بدرالدین یحیی از گرگان به روم مهاجرت کرده‌اند و نسبش به فخرالدین اسعد گرگانی، سراینده ویس و رامین، می‌رسد، اما خودش در قونیه به دنیا آمده‌است. او استاد ابن‌بی‌بی و ابوبکر صدر قونیوی، مؤلف روضة الكتاب، بوده‌است و همه جا از او با عنوان «امیر» و لقب «ملک الادبا» یاد کرده‌اند. او همچنین از دوستداران مولانا جلال‌الدین بلخی بوده‌است (نک. ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۲۶-۱۲۷؛ قس. قونیوی، ۱۳۴۹: ۲۸، ۲۱، ۵؛ سپهسالار، ۱۳۸۵: ۱۰۰؛ افلاکی، ۱۳۴۰: ۷۹، ۳۳۸؛ ۵۹۵). تعدادی از نامه‌های او در مجموعه «نامه‌سلاطین» (گ ۷۲ پ-۹۰) آمده‌است. ریاحی نوشت «منشآت او در دست است» (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۲۷) و در پانوشت همان صفحه شباهتی را درباره منشآت بدرالدین یحیی متذکر شده‌است (نک. یادداشت ضمیمه). آن‌چه از مراجعه به دست‌نوشت التوسل الى الترسّل کتابخانه ملّی پاریس و دیگر منابع دستگیر نگارنده شد این است که ظاهراً به جز همان ۲۳ نامه موجود در نامه سلاطین، از بدرالدین یحیی منشآت دیگری در دست نیست و آن‌چه به او نسبت داده‌اند (کتابی به نام الترسّل الى التوسل)، همان‌گونه که ریاحی از علی سویم (مصحح روضة

نمونه‌هایی به دست می‌دهد که علی اصغر حکمت در کتاب فارسی نفر آنها را آورده و به تفصیل معرفی کرده است. از آن جمله نامه‌ای است نسبتاً طولانی از ادب عبدالله شیرازی در تاریخ وصفاً<sup>۱</sup> (تألیف شده در ۷۱۲) با عنوان «مکتوب لصدیق فارسی»، در این نامه نیز نویسنده به «معرا از الفاظ عربی» بودن این مکتوب تصریح کرده است (حکمت، صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۷؛ قس. ۱۰۵: ۱۳۳۰). علی اصغر حکمت پیش از این نامه نمونه‌های قدیمتری از فارسی سره به دست داده است: ترجمة سوره حمد در آغاز تفسیر کشف الاسرار مبیدی (حکمت، ۱۳۳۰: ۳-۲)، و جملات و عباراتی که از خواجه عبدالله انصاری گلچین کرده است (همان: ۱۶-۲۳).

حکمت پس از مکتوب تاریخ وصفاً، نامه‌ای دیگر از قرن هشتم را معرفی کرده که در مجموعه‌ای خطی در «كتابخانه تهران» (?) یافته است: نامه‌ای از معین الدین محمد عباس شهرستانی<sup>۲</sup> (همان: ۷۵؛ قس. صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۶). پس از آن، نامه‌ای از قرن نهم از جلال الدین محمد دوانی (همان: ۱۰۶، ۸۳) و در ادامه، نامه‌ها و نوشته‌هایی از سده‌های ۱۲ و ۱۳ و قرن حاضر معرفی کرده است.

سه نامه مندرج در مجموعه «نامه سلاطین» از لحاظ تاریخی پس از نامه مندرج در التوسل الى الترسّل بهاء الدین بغدادی قرار می‌گیرد. افزون بر این سه نامه، به پیشینه تاریخی سره‌نویسی منابع دیگری به شرح زیر می‌توان افزود:

- فرهنگ قواس یا «بنج بخشی» تألیف فخر الدین مبارکشاه غزنوی، معروف به فخر قواس، تألیف شده در اواخر سده هفتم یا اوایل سده هشتم، اوّلین فرهنگ فارسی است که در هند نوشته شده است. دیباچه این فرهنگ به فارسی سره است.
- پس از آن نیز بدرالدین ابراهیم، مؤلف فرهنگ زبان گویا و جهان پویا یا «هفت بخشی» (تألیف شده در ۸۳۷ق) نیز به تقلید فخر قواس دیباچه فرهنگش را به فارسی سره نوشت.<sup>۳</sup>

۱. برای متن این نامه نک. ادب عبدالله، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۹.

۲. حکمت حدس زده است که این شخص همان معین الدین بزدی، مؤلف کتاب موهاب الهی، باشد.

۳. یادآوری دو نکته درباره فرهنگ‌های کهن فارسی خالی از فایده نیست و می‌تواند سویه دیگری از فارسی نویسی را نشان دهد: اول این‌که بیشتر مؤلفان

کاربرد عناصر عربی در زبان فارسی رابطه معناداری وجود داشته و رویکرد به این شیوه نگارش به مثابه عکس‌العملی در برابر افراط در استعمال این قبیل عناصر بوده است و چون در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم استعمال عناصر عربی چندان چشمگیر نبوده، قادر نباید عکس‌العملی از نوع سره‌نویسی نیز در میان نویسندگان این دوره بروز کرده باشد. بر اساس چنین استنباطی پیشنهاد پیدایش سره‌نویسی نباید از نیمة دوم قرن پنجم هجری آنسو تو کشیده شود. (همان: ۱۰۱: ۱۰-۱۰۲)

به عبارت دیگر سره‌نویسی زمانی معنا می‌دهد که زبانی پر از واژه‌های بیگانه شده باشد و نویسنده یا نویسندگانی بخواهند به‌قصد پاک‌سازی و تصفیه زبان، آثاری پدید آورند عاری از واژه‌های بیگانه. روشن است که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم واژه‌ها و اصطلاحات عربی در زبان فارسی به نسبت قرن‌های بعد کم‌تر به کار می‌رفته است.

صدری‌نیا در ادامه چنین می‌نویسد:

از قرن ششم به بعد نمونه‌هایی از این آثار باقی مانده است اما از قرن پنجم جز چند اشاره که مؤید وجود چنین آثاری در نیمة دوم آن قرن است، نمونه مستقلی در دست نیست. (همان: ۱۰۲)

او در دو متن از قرن پنجم اشاراتی یافته که نشان‌دهنده گرایش برخی از نویسندگان آن دوره به سره‌نویسی است: نخست کلام شهمردان بن ابی‌الخیر رازی در مقدمه روضة المنجّمين (تألیف شده در ۴۶۶) - که از آثار علمی‌ای انتقاد می‌کند که در این دوره به «دری ویژه مطلق که از تازی دشخوارتر است» نوشته شده است - و دیگری در کلام عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (د. ۴۷۵) در قابوسنامه که در بیان آداب و آیین دیری و کتابت، فرزند خود را از نوشتن نامه به «پارسی مطلق» بر حذر می‌دارد (همان: ۱۰۳-۱۰۴؛ قس. رازی، ۱۳۸۲: ۲؛ عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۵۲: ۲۰۸).

نشانی بعدی او از قرن ششم است: نامه‌ای در میان ترسلاط بهاء الدین بغدادی (زنده تا ۵۸۸) در التوسل الى الترسّل با عنوان «رقعه‌ای دیگر» که بغدادی آن را به نشی «حالی از عربیت»، از سرتقّن و به درخواست دوستاش در مجلس شراب نوشته است (صدری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۴-۱۰۵). قس. بغدادی، ۱۳۱۵: ۲۹۱-۲۹۲). صدری‌نیا از این پس

\*\*\*

### نامهٔ پارسیِ محض [گ۲۶ ر]

همواره روزگار بزرگوار خداوند ارجمند بندمنواز دادگستر هنرپرور کندادل<sup>۱</sup> بندادهوش<sup>۷</sup> والای دانا، شمس الدین کیای<sup>۸</sup> ستاره دروندگان<sup>۹</sup> نگهدار آفریدگار، دانش پژوه روشن رای، از اندوه شب و روز و از غم سپهر جانسوز در پناه ایزد باد و خدای آفریدگار یار و نگاهدار. درود بسیار و پرسش بی شمار رسانیده می‌آید. آرزومندی به دیدار غمگسار او دوست و خداوند، از همه اندیشه بیرون است. پروردگار به زودی دیدار آن دوست مهربان و خداوند به روزی کناد.<sup>۱۰</sup> این بندگی نوشه‌ته آمد و چگونگی کار خویش و مهربانی و جان‌سپاری و دوستداری خود نموده می‌آید تا از آنجا که فرزانگی و آزادگی او خداوند است، بنده را به فرمانها و بندگیها بزرگ گرداند تا در آن، شیوه چاکری و شاگردی به جای آرد تابه آفرین و نیکوی روزگار می‌گذراند، همیشه شادکام و دوستدار و بندمنواز و چاکرپرور باد بر خواست خدا[ی] والا[ی] والا.

### نوعی دیگر نامهٔ پارسیِ محض [گ۲۶ ر - ۲۶ پ]

سزاوار خدای پر بخشایش است. زندگانی خداوند ارجمند، کشورگشای دشمن‌بند، داده بزرگوار، را دل هوشیار، یگانه روزگار، سایه آفریدگار، سرفراز درویش‌نواز، پای مرد<sup>۱۱</sup> آز و

واژه «گندا» به ضم کاف در لغت فرس اسدی تصحیح عباس اقبال (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۸) به معنی «دانا و فیلسوف» با شاهدی از عنصری و در تصحیح صادقی- مجتبایی (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۲۹-۳۰) به صورت «کندا» به فتح کاف به معنای «فیلسوف و مهندس»، با شاهدی اضافه از منجیک ضبط شده است. برای آکاهی از ریشه و شواهد دیگر این واژه بنتگرید به لغت‌نامه دهخدا و یادداشت‌های دهخدا ذیل مدخل «کندا (ک/ک)» و حاشیه معین بر برهان قاطع ذیل «کندا» (تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۷۰۴) و فرنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۲۶۰-۲۲۶۱).

واژه «بنداد» به معنی «بنیاد و اصل و پشتیبان» در فرهنگ‌ها ضبط شده و هم‌ریشه است با «بنیاد»، نک. فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۵۱۲).

۸. «کمای» هم خوانده می‌شود.

۹. بر نگارنده معلوم نشد برابر چه ترکیب عربی‌ای ساخته است.

۱۰. به روزی کردن: روزی کردن، نصیب کردن.

۱۱. این واژه در معنای معمول خود، «میانجی، واسطه/ حامی، یار و یاور» به کار نرفته است. شاید به معنی «پایداری کننده» (در برابر آز و نیاز) باشد.

- شهنشاهنامهٔ احمد تبریزی<sup>۱۲</sup> منظومه‌ای تاریخی است که در سال ۷۳۸ق در دورهٔ پسا‌ایلخانی به نظم درآمده است. سراینده آن، احمد تبریزی، منظومهٔ شانزده‌هزاریتی خود را به فارسی سره سروده است. این اثر را می‌توان یگانه اثر منظوم فارسی دانست که به فارسی سره سروده شده است. مهشیدگوهری کاخکی و محمدجواد مهدوی در مقامه‌ای این اثر را معترضی و در ضمن بررسی بسامد واژه‌های عربی، ترکی و مغولی این اثر، کاربرد واژه‌های عربی آن را با شاهنامهٔ فردوسی به صورت آماری مقایسه کرده‌اند (نک. گوهری کاخکی و مهدوی، ۱۳۹۷).

- مینوی نیز در نوروزنامهٔ منسوب به خیام، در فصل «اندر آیین نوروز» نوشتہ‌ای شانزده سطری را با عنوان «آفرین موبدموبدان به عبارت ایشان»، تلاشی برای «پارسی صرف» نوشتند خیام<sup>۱۳</sup> (؟) دانسته است (مینوی، ۱۳۱۲: ۱۸-۱۹). بیستونه؛ برای متن این «آفرین» نک. خیام (؟) ۱۳۱۲: ۱۸-۱۹. نکته‌ای که باید متذکر شد این است که در بیشتر این آثار گاه واژه‌هایی عربی و کمتر از آن، واژه‌های ترکی یا مغولی به چشم می‌خورد. نویسنده‌گان گاه از روی سهو یا از روی ناقاری از لغات عربی در نوشته خود استفاده کرده‌اند. در نامه‌های زیر نیز دو-سه مورد از این دست به نظر آمد که در پانویشت به آن‌ها اشاره شد.

دربارهٔ رسم الخط نامه‌ها چند نکته گفتنی است: کاتب از حروف چهارگانهٔ مختص فارسی تنها «پ» را گاه با سه نقطه از مشابه عربی آن، «ب» متمایز کرده، در بیشتر موارد ملّ (آ) را نگذاشته و نقطهٔ ذال معجمه را نیز هیچ جانگذاشته است. تمایل کلی کاتب به جدانویسی است، ولی این همیشگی نیست. جدانویسی و پیوسته‌نویسی متن سه نامه در این مقاله مطابق با متن دست‌نوشت است، به جز حرف اضافه «به».

→ فرنگ‌های کهن فارسی عمدتاً در پی جمع‌آوری واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی و گاه ترکی و هندی بوده‌اند و واژه‌های عربی ضبط شده در این فرنگ‌ها کم‌شمارند. نکته دیگر دربارهٔ فرنگ‌های کهن عربی به فارسی است. مؤلفان این فرنگ‌ها نیز عمدتاً کوشیده‌اند تا برابرهای فارسی و بعض‌اً گویشی در مقابل واژه‌های عربی قرار دهند، از این رو این فرنگ‌ها گنجینه‌های ارزشمندی از واژه‌ها برای زبان فارسی و گویش‌های ایرانی به شمار می‌روند. ۴. این منظومه به تصحیح مهشیدگوهری کاخکی و جواد راشکی در سال ۱۳۹۷ در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار- سخن به چاپ رسیده است. ۵. این مورد برابر دلالت آقای علی شاپوران افزوده شد.

هزار سال افسانه زیان جهانیان و اندومزدای همگان باد. کردارش به خشنودی ایزد بازبسته و گفتارش به درستی و راستی پیوسته. آرزومندی و نیازمندی به دریافت خجستگی بوسه دادن پشت دست گوهربخش - کی پیوسته بوسه جای گردن کشان روی زمین باد - نه بدان پایه رسیده است و نه بدان اندازه انجامیده که خامه نایابیدار و کلک سرگردان گرد سر و پای پدید کردن برخی از آن تواند برآمدن، اگرچه ساز او از روش بندگان<sup>۲۲</sup> و درخور چاکران بود کی سوی آستانه آن بارگاه به میانه چکاد<sup>۲۳</sup> و آهيانه<sup>۲۴</sup> بستافتی و سرمایه بزرگی کی دستبوس خداوندگار نام است، دریافتی و آفرین فراوان و ستایش نوشگوار در برابر آن روی نامدار بر زبان راندی و افروختگی آتش آرزو و زبانه تاب شیفتگی دوری را که دل بی چاره تاب سوزش اخگر آن نمی دارد، به سیرابی و تازگی چهره پر فروغ خداوندگار، کی روشنی آفتاب نزد آن تیره تر از شب تار نماید، بشاندی. نیک خدای بی چون می داند که بنده را سستی بیماری و ناتوانی<sup>۲۵</sup> رنجوری چندان زور و توان درین تن زار و کالبد نزار نگذاشته است کی از خانه به کوی تواند گریخت یا آبی از سبو در کوزه ای ریخت. آفریننده جان و روان و نیکوبخش جانوران از آن جا که نیکوکاری و بندنه نوازی بی پایان اوست، برین جگرهای تفته و دلهای شیفته و دیده های پر نم و رویهای از ستم روزگار و زندگانیهای پریشان<sup>۲۶</sup> در هم بخشایاد و دیدار همایون او را در سروری و نیکاختری روزی کناد که برآوردن آرزوها و آسان گردانیدن سختیها بر توانایی و کامکاری<sup>۲۷</sup> او دشوار نیست.

\*\*\*

#### یادداشت ضمیمه

دستنوشت 1353 s.p. محفوظ در کتابخانه ملی پاریس  
یکی از نسخه های شناخته شده التوسل الى الترسّل

- ۲۲. در اصل: بنده؛ متن تصحیح قیاسی است.
- ۲۳. چکاد: فرق سر.
- ۲۴. آهيانه: کاسه سر، جمجمه.
- ۲۵. در اصل: ناتوان؛ متن تصحیح قیاسی است.
- ۲۶. در اصل: +؛ متن تصحیح قیاسی است.
- ۲۷. در اصل: کامکار؛ متن تصحیح قیاسی است.

نیاز، جونمای گندم فروش،<sup>۱۲</sup> نیکوکردار بدلیار پوش،<sup>۱۳</sup> آفتاب گیتی افروز، دوست ساز دشمن سوز، اختر<sup>۱۴</sup> سپهر مهتری، گوهر دریای سروری، جمشید جهان دانش، خورشید آسمان بخشش، فلاں الدین دراز باد، در سروری و پیروزی و کامرانی و بهروزی و شادمانی و ساختگی کارهای دوجهانی. نهال بلندیش بارور و آفتاب ارجمندیش سایه گستر. خدای پاکش در همه کارها یار و از همه بدیها نگاهدار،

#### تاكور شود هرآنکه نتواند دید<sup>۱۵</sup>

صد هزاران درود و آفرین از دلی پاک و سینه[ای] بی خاشاک می فرستم و دست به دامن آرزومندی بازمی زنم،  
کان رنه به پای چون منی باقته اند<sup>۱۶</sup>

این بندگی<sup>۱۷</sup> هفتم ماه آبان از شهر همدان نوشته شد از سر شادی و آسایش و آزادی و آرایش، گردون تند رام و گردش روزگار بکام. همواره دل و درون پراوز(?)<sup>۱۸</sup> یافت بندگی خداوند کمر بسته اند و تن و جان بر سر زانوبدان امید نشسته، چشم داشت بود کی گوشه ای ازین به خدمت کار بازدارد و این کمتر را از گوشه اندیشه فرونگذارد، چه مردم سخن ور هنرپرور را پناه و تکیه گاه<sup>۱۹</sup> در زمانه آستانه آسمان شکوه خداوند است و تا باد چنین باد.

#### من انشائه،<sup>۲۰</sup> این مکاتبه پارسی محض نایب سلطان التماس کرده بود، تحریر افتاد[گ ۸۰-۸۱ پ]

داد و دهش و بخشش و بخشایش خداوندگار بزرگوار،  
مرزبان نامدار، لشکرکش گیتی، پشت و پناه مسلمانی،<sup>۲۱</sup>

۱۲. ترکیب کنایی ای است که بر عکس «گندم نمای جوفروش» بار مثبت دارد.

۱۳. در اصل: بدلیار پوش، شاید نویسنده خواسته باشد در برگردان «خطا» در ترکیب «خطا پوش» چنین ترکیبی بسازد.

۱۴. در اصل: اخر، متن تصحیح قیاسی است.

۱۵. این مثل ظاهر مصروف دوم بیتی است، در التوسل الى الترسّل (اوخر قرن ششم) نیز به کار رفته است (بعدادی، ۱۳۱۵: ۲۷۱). قس. دهدزا، ۱۳۵۷: ۵۳۶).

۱۶. این مثل و تعبیر کنایی در متون مختلفی به کار رفته است. «بابتن راهی (چیزی) به پای کسی»، کنایه است از آن را درخور و مناسب حال او دانستن. (نک. لغت نامه (بزرگ) فارسی، مدخل «بابتن»، ترکیب «بابتن چیزی به پای کسی»).

۱۷. به معنی نامه.

۱۸. کذا در متن دستنوشت؛ شاید در اصل «پر (بر) آرزو[ء]» بوده باشد.

۱۹. جزء اوّل واژه عربی است.

۲۰. نویسنده این نامه بدر الدین یحیی است (نک. معنی نویسنده در همین مقاله).

۲۱. جزء اوّل واژه عربی است.

و ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۳، ص ۱۳۱۸):  
بدر نخشبوی، بدرالدین نخشبوی رومی، اصلاً از اهل نخشب  
(نسف) ماوراء النهر نزدیک به سمرقند بود. وی مؤلف  
کتابی است در انشاء به نام «التَّرْسِلُ إِلَى التَّوْسِلَ» که در  
ذیحجه سال ۶۸۴ تدوین کرد.

همچنین در دانشنامه زیان و ادب فارسی مقاله‌ای با عنوان  
«التَّرْسِلُ إِلَى التَّوْسِلَ» مدخل شده و مطالب مذکور در آن  
تکرار شده است (نک. مجیدی، ۱۳۸۶: ۳۲۲۳).

بنا بر گفته ریاحی، عثمان توران هم در مقدمه خود بر  
تقاریر المناصب این کتاب را به بدرالدین مذکور نسبت  
داده است. ریاحی در ادامه گفته است که بنا بر پژوهش علی  
سیویم، مصحح روضة الکتاب،<sup>۳۲</sup> متنی که به نام «التَّرْسِلُ إِلَى  
التَّوْسِلَ» در این دستنوشت مندرج است، نسخه‌ای دیگر  
از همان روضة الکتاب ابوبکر صدر قونیوی است.

میکروفیلم این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران با شماره ۱۳۱۰ /۲ موجود است. جالب است که در  
برخی از منابع نسبت بدرالدین را بدخشی یا بدخشانی  
نوشته‌اند (نک. منزوی، ۱۳۵۰ /۳؛ ۲۰۸۹ /۳؛ دانشپژوه، ۱۳۴۸ /۱؛  
درایتی، ۱۳۹۱ /۸؛ ۵۹۳)،

با مراجعه به میکروفیلم نسخه –که سیاه و سفید است و  
کیفیت خوبی هم ندارد– و مقایسه آن با متن روضة الکتاب،  
درستی پژوهش علی سیویم بر نگارنده نیز روشن شد. مؤلف  
روضه الکتاب در صفحات آغازین کتاب، نام خود و نام کتاب  
را نوشته (قونیوی، ۱۳۴۹: ۴-۵)، همچنین از استاد خود،  
بدرالدین یحیی، با این عبارات یاد کرده است:

حضرت خداوندم و استادم، امیر عالم فاضل علامه عالم،  
استاد فضلاً شرق و غرب، ذوالیانین، صاحب اللسانین که  
در باب کتابت بی‌نظیر و در شیوه بلاغت مشارالیه هر مشیر  
بود، اعني بدرالدین یحیی، افاض الله عليه سجال رحمته و  
کساه لباس مغفرته...

اما در عکس دستنوشت پاریس در هر سه جایی که نام  
نویسنده، نام کتاب و نام بدرالدین یحیی آمده (گ ۱۲۹) جای  
حالی می‌بینیم.<sup>۳۳</sup> البته این امکان هست که این اسمای با

<sup>۳۲</sup> آنکارا، ۱۹۷۲: ۹-۱۲ (مقدمه کتاب به ترکی استانبولی است).

<sup>۳۳</sup> دو سفیدی دیگر هم در پشت همان برگ و برگ بعد وجود دارد که ربطی به  
بدرالدین یحیی ندارد.

بهاءالدین بغدادی و یکی از میکروفیلم‌هایی است که  
محمد قزوینی تهیه کرده و به ایران آورده و احمد بهمنیار در  
تصحیح التوسل از آن استفاده کرده است. محمد قزوینی  
یادداشتی بر این دستنوشت نگاشته که بهمنیار آن را در  
مقدمه کتاب (بهمنیار، ۱۳۱۵: کا - کج) آورده است و خود  
بهمنیار در پانوشت صفحه «کب» ملحقات این نسخه را  
برشمرده است. نخستین این ملحقات مجموعه منشآت  
بدرالدین رومی موسوم به الترسيل الى التوسل (عکس التوسل  
إلى الترسيل) است، «از ورق ۱۲۸ تا ورق ۱۷۴». این بخش  
از دستنوشت انجامه‌ای دارد با این عبارات (گ ۱۷۴ پ):

تم الترسيل الى التوسل عکس تسمية التوسل الى الترسيل  
ابي المحمد بن المؤيد البغدادي و هذا لامام عالم علامه  
فضل ملك ادباء عصره المعروف ببدرالدين اليحيى  
الروم حفظها الله [عن] الآفات [تأم] بمذبححة الخفده<sup>۳۴</sup> هجرة  
على يدي الداعي الى الله الراعي ابن الفلكي المحرر المتفقه  
المفتقر الى عز الغفران حامداً مصلياً بذكرا منسوب اليه  
تفضلاً ...<sup>۳۵</sup>

همان طور که محمدامین ریاحی (۱۳۶۹: ۱۲۷، پانوشت) اشاره  
کرده، برخی محققان بنا بر همین انجامه کتابی به نام الترسيل  
إلى التوسل را به بدرالدین رومی نسبت داده‌اند. از جمله  
احمد بهمنیار در پانوشت مذکور در سطور بالا و پس از آن  
سعید نقیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران (ص ۱۵۱):

بدرالدین نخشبوی رومی، از دییران دربار سلجوقیان روم  
در قونیه بوده و مؤلف کتاب بسیار خوبی است در صنعت  
انشا به اسم الترسيل الى التوسل که در اوّل ذی حجه ۶۸۴  
تدوین کرده است.

<sup>۲۸</sup> ظاهرًا «الیحیی» به جای «یحیی» اشتباه کاتب است.  
<sup>۲۹</sup> قزوینی در یادداشت مذکور تأکید کرده است که این شهر انطالیه است نه  
انطاکیه (بهمنیار، ۱۳۱۵: کج).

<sup>۳۰</sup> «فخد» بدون احتساب «الف و لام» ۶۸۴ می‌شود و با احتساب «الف و  
لام» ۷۱۵ و قاعدهاً تاریخ نخست درست است و الف و لام را نباید در  
محاسبه منظور داشت.

<sup>۳۱</sup> خواندن این انجامه بدون یاری دوست فاضل، آقای عمادالدین  
شیخ الحکماء، امکان پذیر نبود.

قدیم‌ترین دستنوشت روضة الکتاب – که ظاهراً به خط مؤلف است – در تاریخ ۶۷۷ تحریر شده است و در کتابخانه ایل خلق ترکیه نگهداری می‌شود (سیّدیونسی، ۱۳۴۹: سی‌وشش). این دستنوشت قدیم‌تر از دستنوشت پاریس است. مصحح اول روضة الکتاب، میرودود سیّدیونسی، از وجود این نسخه بی‌خبر بوده و از چهار نسخه دیگر استفاده کرده است.

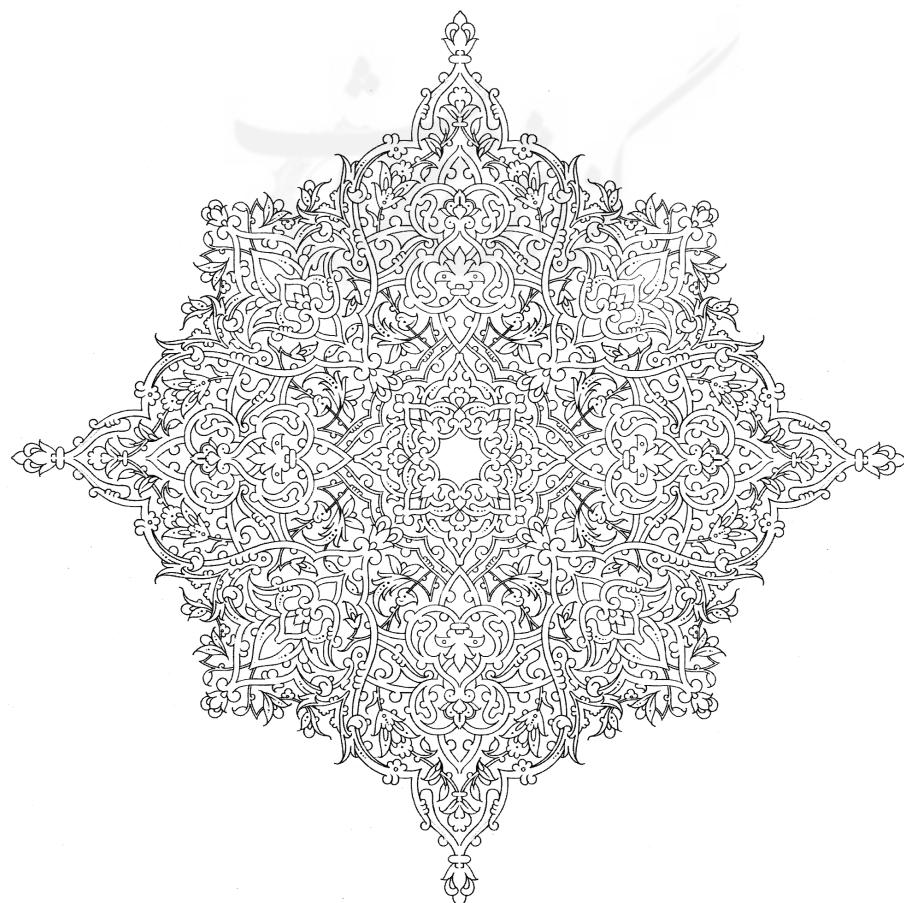
اما نکته دیگر درباره اختلاف ضبط نام بدرالدین یحیی: به گمان نگارنده این اختلاف از بدخوانی «یحیی» به «نخشبی» ناشی شده و درنتیجه موجب اشتباه بزرگانی چون سعید نفیسی و ذبیح‌الله صفا و دیگران شده است. با مراجعه به انجامه مذکور می‌توان به این بدخوانی و ضبط صحیح پی‌برد.

استنساخ کتابی پرداخته است، درباره این افراد به سلجوقیان ترکیه ص ۴۵، ۵۶-۵۷، ۱۴۸ رجوع کنید».

شنگرف نوشته شده باشد و در عکس نیفتاده باشد. تا نداشتن دسترس به عکس رنگی این دستنوشت اظهار نظری نمی‌توان کرد.

در متن چاپی روضة الکتاب سه نامه موجود است که مؤلف به استادش، همین بدرالدین یحیی، نوشته است (قوینی، ۱۳۴۹: ۲۱، ۲۸، ۲۸، ۱۰۸). اما وضعیت این سه نامه در این دستنوشت چنین است: عناوین نامه‌های اول (گ ۱۳۲ پ) و دوم (گ ۱۳۴ پ) عوض شده، اولی خطاب به «ادیبی دانشمند» و دومی به «استاد مذکور» و فقط در نامه سوم (گ ۱۶۲ ر) نام بدرالدین یحیی دیده می‌شود. روشن نیست که کاتب دستنوشت پاریس یا نسخه اساس او، ابن‌فلکی<sup>۳۴</sup>، به چه قصد و انگیزه‌ای، به سهو یا به‌عمد، چنین کرده است.

۳۴. از ابن‌فلکی تنها در تعلیقات توفیق سبحانی بر مکتوبات مولانا (ص ۲۵۸) نشانی یافتم: «... جمال‌الدین معروف به ابن‌الفلكی که در انتظایی به



- تهران: سخن.
- سیدیونسی، ۱۳۴۹ ← قوینیوی، ۱۳۴۹ (مقدمه).
  - صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۸). «پیشینهٔ تاریخی و مبانی نظری سرهنگی». زبان و ادبیات فارسی، ۶۵ (پاییز): ۹۹-۱۲۸.
  - عصرالمعالی کیکاووس (۱۳۵۲). قابوسنامه. به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
  - فخرالدین مبارکشاه قواس (۱۳۵۳). فرنگ قواس. به تصحیح نذیر احمد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
  - قوینیوی، ابویکر (۱۳۴۹). روضة الکتاب و حديقة الالب. به تصحیح میرودود سیدیونسی. تبریز: مؤسسهٔ تاریخ و فرنگ ایران.
  - گوهربی کاخکی، مهشید و محمدجواد مهدوی (۱۳۹۷). «سرهنگی فارسی در دربار ایلخانان: شهنشاهنامهٔ احمد تبریزی، یگانه اثر منظوم به فارسی سره». نامهٔ فرهنگستان، ۶۶ (زمستان): ۱۰۹-۱۲۰.
  - لغتنامهٔ (بزرگ) فارسی (۱۳۶۱-؟). گروه مؤلفان مؤسسهٔ لغتنامهٔ دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسهٔ لغتنامهٔ دهخدا.
  - مجیدی، مریم (۱۳۸۶). «التوسل الى التوسل». در: دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی. زیر نظر اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ج. ۲.
  - منزوی، احمد (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای.

- تهران: سخن.
- ادیب عبدالله (۱۳۸۸). تاریخ و صاف الحضرة. به تصحیح علیرضا حاجیان نژاد. ج. ۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - اسدی طوسی (۱۳۱۹). لغت فرس. به تصحیح عباس اقبال. تهران: چاپخانهٔ مجلس.
  - ——— (۱۳۶۵). لغت فرس. به تصحیح فتح الله مجتبایی و علی اشرف صادقی. تهران: خوارزمی.
  - افلاکی، احمد (۱۳۷۵). مناقب العارفین. به کوشش تحسین یازیجی. تهران: دنیای کتاب.
  - بدرا ابراهیم (۱۳۶۸). زبان گویا و جهان پویا. به تصحیح نذیر احمد. خدابخش: کتابخانهٔ عمومی شرقی خدابخش.
  - بغدادی، بهاء الدین. التوسل الى التوسل. دستنوشت s.p. ۱۳۵۳ کتابخانهٔ ملی پاریس (میکروفیلم شمارهٔ ۲/۱۳۱۰).
  - ——— (۱۳۱۵). التوسل الى التوسل. به تصحیح احمد بهمنیار. تهران: شرکت سهامی چاپ.
  - بهمنیار، ۱۳۱۵ ← بغدادی، ۱۳۱۵ (مقدمه).
  - تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲). برهان قاطع. به تصحیح محمد معین. تهران: امیرکبیر.
  - حکمت، علی اصغر (۱۳۳۰). پارسی نغز. تهران: بی‌نا.
  - خیام نیشابوری (؟)، عمر (۱۳۱۲). نوروزنامه. به تصحیح مجتبی مینوی. تهران: کتابخانهٔ کاوه.
  - دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلمهای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
  - درایتی، مصطفی (به کوشش) (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی.
  - دوران گدی، داوید (۱۳۹۹). «منبعی مهم دربارهٔ سلجوقیان روم و دییرخانهٔ فارسی آنها: نسخهٔ خطی کتابخانهٔ آیت الله مرعشی شمارهٔ ۱۱۱۳۶». میراث شهاب، سال ۲۶، ش ۱۰۰ (تابستان): ۶۳-۸۴.
  - دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۷). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
  - ریاحی، محمد امین (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: پائزگ.
  - رازی، شهمردان بن ابی‌الخیر (۱۳۸۲). روضة المنجمین. به تصحیح جلیل اخوان زنجانی. تهران: میراث مکتوب.
  - سپهسالار، فریدون (۱۳۸۵). رسالهٔ سپهسالار: در مناقب حضرت خداوندگار. به تصحیح محمد افшиون و فایی.



# Table of Contents

## Editorial

- Azarbajian and the History of Persian Language and Culture/ **Akbar IRANI** ..... 3-5

## Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbajian and Anatolia Studies together / **Ali SHAPOURAN** ..... 6-13

## The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbajian / **Ali Ashraf SADEGHI** ..... 14-22  
The Name Azarbajian and a Brief Phonetic Lexical Point / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** ..... 23-29  
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / **Richard Foltz**; Translated by **MohammadTaqi FARAMARZI** ..... 30-40

## Azarbajian and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / **Behrouz IMANI** ..... 41-57  
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / **Mohsen SHARIFI SAHI** ..... 58-60  
*Jalīs al-Mushtāq*: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / **Mahdi YEILAGHI** ..... 61-76  
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / **Sajjad AYDENLOO** ..... 77-82

## Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The “Mirrors for Princes” of Early Thirteenth-century Anatolia / **Andrew C. S. PEACOCK**; Translated by **Shokoofe MAYBODI** ..... 83-109  
Three Letters in “Pure Persian” from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / **Maryam MIRSHAMSI** ..... 110-117  
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / **Franklin LEWIS**; Translated by **Manouchehr BIGDELI KHAMSE** ..... 118-134  
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / **Ali SHAPOURAN** ..... 135-147  
*Safīna-yi Nūhī* va *Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / **Seyyed Ali MIRAFZALI** ..... 148-160  
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / **Ahmad BEHNAMEI** ..... 161-169  
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / **Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI** ..... 170-180  
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / **Furkan İŞİN** ..... 181-190  
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / **Fariba SHOKUHI** ... 191-200

## Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **David DURAND-GUÉDY** (Review) ..... 201-204  
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **Andrew C. S. PEACOCK** (Review) ..... 205-206  
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / **Anita AHMADI** ..... 207-218

## Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / **Mahmoud ABEDI** ..... 219-226

**Gozareh-e Miras**  
Quarterly Journal of Textual Criticism,  
Codicology and Iranology  
**Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020**  
[Pub. Autumn 2021]  
**Dedicated to History of Persian Language and Culture  
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

**Properietor:**  
The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

**Managing Director & Editor-in-Chief:**  
Akbar Irani

**Assistant Editor:**  
Masoud Rastipour

**Guest Editor:**  
Ali Shapouran

**Managing Editor:**  
Younes Taslimi-Pak

**Cover:**  
Mahmood Khani

**Print:**  
Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,  
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,  
Tehran, Iran**

**Postal Code:** 1315693519  
**Tel:** 66490612, **Fax:** 66406258  
**Website:** [www.mirasmaktoob.ir](http://www.mirasmaktoob.ir)  
**E-mail:** gozaresh@mirasmaktoob.ir

| Dedicated to History of Persian Language and Culture in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia |

## Table of Contents

### Editorial

- Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture / Akbar IRANI ..... 3-5

### Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN ..... 6-13

### The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHİ ..... 14-22  
The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEEMQAQAMI ..... 23-29  
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard FOLTZ; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI ..... 30-40

### Azarbaijan and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI ..... 41-57  
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI ..... 58-60  
*Jalīs al-Mushtāq*: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI ..... 61-76  
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO ..... 77-82

### Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;  
Translated by Shokoofe MAYBODI ..... 83-109  
Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI ..... 110-117  
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised)/  
Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE ..... 118-134  
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN ..... 135-147  
*Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI ..... 148-160  
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI ..... 161-169  
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conquerer): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI ..... 170-180  
The Politics of Historiography in St̄ileyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İŞİN ..... 181-190  
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfi-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI ..... 191-200

### Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) ..... 201-204  
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) ..... 205-206  
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI ..... 207-218

### Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI ..... 219-226